

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق
۵ حمل ۱۳۸۸
۲۶ مارچ ۲۰۰۹

زیر خط

خبر های خوش

خبر های خوشی را پخش کردند
الاغ لاغ خود را رخس کردند
به زیر سایه صلح دروغین
میان جنگ حلوا بخش کردند

آتشباران

الا آتشباران سلحشور
کجا شد وعده های مشعل نور
نشد از آتش تان کوچه ی گرم
ولی از دود تان شهری شده کور

فکر جهان

پر فکر جهان را خواب دادیم
به آتش رنگ صلح ناب دادیم
پذیرا شو زمن این دسته گل را
که از دریای خونس آب دادیم

درشتی و نرمی

که می گوید که ما گرمی نداریم
میان سینه جز مرمی نداریم
درشتی را ز سنگ ما بیاموز
که در قاموس دل نرمی نداریم

تموز آه

نمی دانم بر این گلشن چه رفت است
تموز آه اورا بسوی تفت است
چه پرسی از شمار درد و داغش
که هشت او گرو در دست هفت است

اعصاب دل

رگ اعصاب دل خونی ندارد
تپش را فکر مضمونی ندارد
غزلهای بلند همزبانی
یکی مصراع موزونی ندارد

موج اتوبان

اتوبان موج موزونی ندارد
سفر را خط مصنوعی ندارد
دلا بگریز ازان جاده که آنجا
صدای پای مجنونی ندارد

شربت هوش

شنیدن را یکی گوشی ندیدم
لبی را قطره نوشی ندیدم
به هر ساقی که رو کردم درین بزم
نوید شربت هوشی ندیدم

هاج و واج

تجاهل را هوای تخت و تاج است
سر هر مفلسی را فکر باج است
نمی بینم صدایی را سلامت
تمام واژه هامن هاج و واج است

زیر خط

ز بس هر جابلا را گوش گوشتیم
لباسی را به جز ماتم نپوشیم
خدایا دست ما و دامن تو
سراپا زیر خط فقر هوشیم

آزمون زندگی

ازین سودا هوای سود تا کی
درین ویرانه بوی دود تا کی
دلا در آزمون زندگانی
به پیش عالمی مردود تا کی
